



The study of children and childhood in Neizami's Poems

*Irajpour, MohammadEbrahim

** sadeghi , Fateme

Abstract:

In today's perception, childhood is a period of time that a person goes through and is considered as one of the most important stages of every human life. In childhood, the human mind and emotions have their freest, most flexible and most dynamic state. One of the underlying factors of creative thinking in adulthood is maintaining the characteristics of childhood. The child sees things as unusual. He finds even the most ordinary and commonplace things strange and astonishing. Children are one of the future factors of society that have always been paid attention to by poets and writers. In their poems and writings, they have tried to tell the right way to children based on their bittersweet experiences.

Although we have heard many times that the lullabies, proverbs, love songs, adventure stories, epics, romances, myths are known as the basis of children's literature and believe that Children's literature has its origins in the antiquity of human life on earth, but we must not forget that there is no border for the boundless sea of Persian language and literature since in the period of one thousand and one years that has passed since the beginning of writing the first Persian book called Shahnameh Abu Mansouri until now, valuable works in various fields of poetry and prose, history and culture and other scientific and literary disciplines have been written, composed or translated and Since then, children have more or less played a role in our official literature. Nizami Ganjavi is one of the poets who has paid attention to children in his poems. In this research, it is assumed that the child as one of the characters plays a role in Ganjavi Nizami's works and the poet uses objects and elements related to childhood in poetry. Therefore, we will try to examine the position of the child and childhood elements in Nizami's works with a library method and in the form of an analytical-descriptive approach.

Keywords: child, military, Khosrow and Shirineh, Lily and Majnoon, Haft Paykar

بررسی عنصر کودک و کودکی در آثار نظامی

* ایرج پور، محمد ابراهیم

** صادقی، فاطمه

چکیده:

در برداشت امروزی کودکی یک مقطع زمانی است که آدمی طی می کند و به عنوان یکی از مهم ترین مراحل زندگی هر انسانی مورد توجه قرار می گیرد. در دوره کودکی ذهن و عواطف آدمی آزادترین و منعطف ترین و سیال ترین حالت خود را دارد و یکی از جمله عوامل زیر بنایی تفکر خلاق دوره بزرگسالی حفظ ویژگی های دوره کودکی است. کودک چیزها را غیر عادی می بیند حتی معمولی ترین و عادی ترین پدیده ها را عجیب و حیرت انگیز می یابد. کودکان از عوامل آینده ساز اجتماعند که همواره مورد توجه شاعران و ادیبان بوده اند. آنها در اشعار و نوشته های خود کوشیده اند تا براساس تجربه های تلخ و شیرین خود، راه درست را نصیحت وار برای کودکان بیان کنند.

اگر چه بارها شنیده ایم که بنیاد و اساس ادبیات کودکان را لالایی ها، مثل ها، ترانه های عاشقانه، داستان های ماجراجویی، حماسی، عاشقانه، افسانه ها تشکیل می دهد. معتقدیم که ادبیات کودکان سرچشمه ای به کهنسالی زندگی بشر بر روی زمین دارد، لیکن نباید فراموش کنیم که دریای بی کران زبان و ادب پارسی را حد و مرزی نیست چرا که در پهنه ی هزار و اندی سال که از آغاز نگارش نخستین کتاب نشر فارسی با نام شاهنامه ابومنصوری تاکنون می گذرد، در زمینه های گوناگون شعر و نثر، تاریخ و فرهنگ و دیگر رشته های علمی و ادبی آثار ارزنده ای تالیف و تصنیف یا ترجمه شده است و از همان زمان نیز کودکان در ادبیات رسمی ما کم و بیش نقش داشته اند. از جمله شاعرانی که در اشعار خود به کودکان توجه داشته است، نظامی گنجوی است. در تحقیق پیش رو، فرض بر آن است که کودک به عنوان یکی از شخصیت ها در آثار نظامی گنجوی نقش آفرینی می کند و شاعر از اشیاء و عناصر مربوط به کودکی در شعر بهره می برد. بنابراین تلاش خواهیم کرد با روش کتابخانه ای و در قالب رویکرد تحلیلی- توصیفی به بررسی جایگاه کودک و عناصر کودکی در آثار نظامی بپردازیم.

کلید واژه: کودک، نظامی، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر

مقدمه :

امروزه کودک و دوران کودکی یکی از موضوعات مورد توجه، در علوم مختلف است و با توجه به اهمیتی که این دوران در دنیای امروز دارد دانشمندان علوم مختلف هر یک به گونه ای به بررسی این مفهوم از دیدگاه خود پرداخته اند. مباحث مربوط به کودک و ادبیات کودک نیز چون نوپاست زمینه های فراوانی برای پژوهش های گوناگون دارد؛ لذا هر گونه تحقیقی در رابطه با این موضوع می تواند راه گشا باشد و از سوی دیگر زمینه ای را برای مطالعات جامعه شناسانه و روانشناسانه در گستره ادبیات فراهم می آورد. از طرف دیگر تاکنون آثار بسیاری در زمینه ی آثار نظامی نوشته شده است؛ اما در زمینه عنصر کودک و کودکی در آثار نظامی تحقیقی صورت نگرفته است؛ لذا ضرورت دارد تا به شکل جدی و در چارچوب دقیق این مقوله مورد بررسی قرار گیرد.

- پیشینه تحقیق

براساس جست و جوی انجام شده موضوع مذکور، به این شکل تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. برخی از آثار مرتبط در زمینه ی عنصر کودک و کودکی در آثار نظامی عبارتند از:

1) ناصر کرمانی، کودک و کودکی در آثار مولوی، تهران، نشر باد، 1388. در این کتاب ناصر کرمانی منحصراً به بحث درباره کودک پرداخته و طی طرحی جامع هر آنچه را در آثار مولانا به کودک اختصاص دارد، بیان کرده است. مثلاً داستان هایی از کودکان پیامبران، تمثیل گونه هایی از کودکان، داستان هایی که قهرمانان آنها کودکانند، قدرت تجسم و صورتگری مولانا و اندیشه های اجتماعی وی درباره کودک و دریافت روان شناسی کودک در اندیشه مولانا.

2) خانم الهام صفایی در پایان نامه ی کارشناسی ارشد خود تحت عنوان « بررسی جایگاه کودک در منظومه های فارسی تا اواخر سده ی هفتم هجری» (1391) که در دانشگاه یزد و به راهنمایی مهدی ملک ثابت و مشاوره ی بدالله جلالی پندری نگارش یافته است با استخراج شواهد مربوط به نحوه ی حضور کودک در متون برگزیده، دنیای کودکی، وضعیت اجتماعی کودکان، شیوه های سخن گفتن با آنان و گفتارهای کودکان را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است.

3) خانم راضیه رحیمی در پایان نامه ی کارشناسی ارشد خود تحت عنوان « کودکانه ها در ادب فارسی از اول تا حافظ» (1390) که در دانشگاه تربیت معلم تبریز و به راهنمایی دکتر رحمان مشتاق مهر و مشاوره ی دکتر حسین صدقی نگارش یافته به نوع نگرش گذشتگان به کودک، جایگاه او در خانواده، ارتباط کودک با مادر و تاکید بر اهمیت نقش مادر در تربیت کودک بیش از نقش پدر پرداخته است. هم

چنین در این پایان نامه کارکرد خانواده به عنوان کانون عشق و محبت، کانون حمایت از کودک و نقش الگویی اعضای آن برای کودک طبقه بندی شده است. در این اثر ویژگی های جسمانی و روانی کودک، نامگذاری کودک، آیین ها و باورها در مورد کودک، بازی ها و سرگرمی های کودک و تعلیم و تربیت کودک در آثار شاعرانی چون خاقانی، سنایی، سعدی، مولوی، نظامی و مورد بررسی قرار گرفته است.

1- نظامی و جایگاه بی همانند او در ادبیات غنایی:

نظامی به یقین از سر آمدان و طلایه داران ادبیات داستانی منظوم زبان و ادب فارسی است. وی از آن سخنگویانی است که مانند فردوسی و سعدی توانست به ایجاد یا تکمیل سبک و روش خاصی توفیق یابد. اگر چه داستان سرایی در زبان فارسی به وسیله نظامی شروع نشده و چنان که دیده ایم از آغاز ادب فارسی سابقه داشته است؛ اما تنها شاعری که تا پایان قرن ششم توانست این نوع شعر یعنی شعر تمثیلی را در زبان فارسی به حد اعلای تکامل برساند، نظامی است. وی در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب و ایجاد ترکیبات خاص تازه و ابداع و اختراع معانی و مضامین نو و دلپسند در هر مورد، تصویر جزئیات و نیروی تخیل و دقت در وصف و ایجاد مناظر رابع و ریزه کاری در توصیف طبیعت و اشخاص و احوال و به کار بردن تشبیهات و استعارات مطبوع و نو در شمار کسانی است که بعد از خود نظیری نیافته است. (براون، 1351: ج 2/136). امتیاز بزرگ نظامی در داستان سرایی اوست. گرچه پیش از وی این امر سابقه داشته است ولی نظامی داستان غنایی را به چنان قله رفیعی رساند که پس از او هیچ کس نتوانست بر آن صعود کند.

شهرت و قبولی که بهره پنج گنج نظامی داشت چندان بود که بعد از وی تا قرن های دراز در سراسر قلمرو زبان فارسی هرداعیه داری دست کم دو منظومه آن را تقلید کند و به پندار خویش داستان سرای گنجه را جواب گوید؛ چنانکه خواجوی کرمانی، خسرو دهلوی، کاتبی ترشیزی، جامی، هاتفی، مکتبی شیرازی، عرفی، فیض دکنی، وحشی بافقی و بسیاری دیگر از شاعران بعد از نظامی در این گونه با وی به چالش برخاسته اند. (مستور، 1371: 81)

2- جایگاه کودک و کودکی در آثار نظامی:

در بررسی جایگاه کودک در آثار نظامی می توان گفت که هم نشانه های توجه به کودک و هم نشانه های بی توجهی به او دیده می شود. نظامی در ابیات خود به نقش فرزندگی کودک بیشترین توجه به شخصیت و هویت کودک کمترین توجه را داشته است. در این مقاله 28 شاهد مثبت و 22 شاهد منفی در مورد مقوله

کودک در آثار نظامی بیان شده و در پایان به دسته بندی شواهد و ترسیم جدول و نمودار پرداخته شده و ذیل هر کدام توضیحات لازم ذکر شده است. بنابر روایت نظامی در کتاب خسرو شیرین، تنها چیزی که خاطر پادشاه عدالت گستر و رعیت پرور ایران زمین را آشفته ساخته است، نداشتن فرزند است؛ فرزندی که نسل او را ادامه دهد و پیوند نسبی با او داشته باشد؛

نسب را در جهان پیوند می جست
به قربان از خدا فرزند می جست
(نظامی، 1385: 40)

تا اینکه سرانجام؛

به چندین نذر و قربانش خداوند
نرینه داد فرزندی، چه فرزند؟
(نظامی، 1385: 40)

پسری که پس از چندین نذر و قربان به هرمز عطا می شود، مبارک طالعی است که از همان کودکی، فرّ شاهی دارد و به واسطه ویژگی های خاصش از کودکان هم سن و سال خود متمایز است. نظامی این ویژگی ها را چنین برشمرده است:

گرامی درّی از دریای شاهی	چراغی روشن از نور الهی
مبارک طالعی، فرخ سریری	به طالع، تاجداری، تخت گیری
پدر در خسروی دیده تمامش	نهاده خسرو پرویز نامش
از آن شد نام آن شهزاده پرویز	که بودی دایم از هرکس پرآویز

(نظامی گنجوی، 1385: 40)

الگوی شروع منظومه لیلی و مجنون نیز با تغییر شخصیت ها همچون الگوی شروع خسرو و شیرین است. در این منظومه، شرح حال یکی از بزرگان عرب روایت می شود که رئیس قبیله «عامر» است و ولایتی معمور دارد. او مردی صاحب هنر است که در درویش نوازی و مهمان دوستی شهرتی چشمگیر دارد؛ اما غم بی فرزندی، او را نیز چون هرمز دادگستر رعیت پرور، آزرده خاطر کرده و بر آن داشته است تا نذر و نیاز و قربانی فراوان کند و از خداوند، فرزندی شایسته بخواهد؛ تا اینکه سرانجام:

ایزد به تضرعی که شاید
دادش پسری چنان که شاید
(نظامی، 1389: 52)

کودک نوباوه‌ای که وی را به شرط هنر، «قیس هنری» می‌نامند، به تعریف نظامی، همچون خسرو پرویز ویژگی‌های برجسته‌ای دارد که او را از دیگر کودکان متمایز کرده است:

نورسته گلی چو نار خندان	چه نار و چه گل؟ هزار چندان
روشن‌گه‌ری ز تابناکی	شب‌روزکنی سرای خاکی
چون دید پدر جمال فرزند	بگشاد در خزینه را بند
از شادی آن خزینه‌خیزی	می‌کرد چو گل خزینه‌ریزی

(نظامی، 1389: 52)

این کودک کم‌کم به سن هفت و بعد ده سالگی می‌رسد و دوران مکتب خود را آغاز می‌کند. او با اینکه کودکی بزرگ‌زاده و اصیل است باید با رنج و سختی روزگار پخته و آزموده شود؛ بنابراین از جانب پدر به مکتب خانه فرستاده می‌شود:

چون شد به قیاس هفت ساله	آمود بنفشه کرد لاله
کز هفت به ده رسید سالش	افسانه خلق شد جمالش
هر کس که رخس ز دور دیدی	بادی ز دعا بر او دمیدی
شد چشم پدر به روی او شاد	از خانه به مکتبش فرستاد
دادش به دبیر دانش آموز	تا رنج بر او برد شب و روز

(نظامی، 1373: 466)

در مکتب خانه‌های قدیم، تفکیک جنسیتی صورت نمی‌گرفته و دخترکان و پسران نابالغ هنگام آموختن درس در يك مكان مي‌نشسته‌اند (البته اینکه در عرب مرسوم بوده است که دختر و پسر توأمان در یک محل تعلیم ببینند، جای تردید است. شاید نظامی در پرداختن به این منظومه عاشقانه، خود ریشه این عشق و دوستی را به هم مکتب بودن آن‌ها کشانده است):

هر کودکی از امید و از بیم	مشغول شده به درس و تعلیم
با آن پسران خرد پیوند	هم لوح نشسته دختر ی چند
هر يك ز قبیله ای و جانی	جمع آمده در ادب سرانی

(نظامی، 1373: 466)

از طرفی لیلی دخترکی سیزه روی با چشمانی آهویی و زلفانی چون شَبَق است. پدرش او را در دوران

کودکی به مکتب می‌برد تا خواندن بیاموزد.

آفت نرسیده دختر ی خوب	چون عقل به نام نیک منسوب ...
... آهوچشمی که هر زمانی	گشتی به کرشمه ای جهانی
ماه عربی به رخ نمودن	ترك عجمی به دل ربودن
زلفش چو شبی رخس چراغی	یا مشعله ای به چنگ زاغی..
... محجوبه بیت زندگانی	شه بیت قصیده ی جوانی ...

(نظامی، 1373:467)

لیلی و قیس در عالم کودکی در مکتب سرا به یکدیگر انس می گیرند و یک دل نه ، صد دل عاشق یکدیگر می شوند:

این جان به جمال آن سپرده	دل برده ولیک جان نبرده
و آن بر رخ این نظر نهاده	دل داده و کام دل نداده

(نظامی، 1373:467-468)

و سرانجام:

عشق آمد و کرد خانه خالی	برداشته تیغ لا ابالی
غم داد دل از کنارشان برد	وز دل شدگی قرارشان برد
زان دل که به یکدیگر نهادند	در معرض گفتگو فتادند
این پرده دریده شد ز هر سوی	وان راز شنیده شد به هر کوی

(نظامی، 1373:468)

با توجه با این ابیات می توان اینچنین برداشت کرد که نظامی دوران کودکی را ارزشمند می دانسته است . این دوران از نظر او سرآغاز سواد آموزی ، کسب تجربه و عشق و دلباختگیست و دورانی که می توان امید به زندگی در آینده را در سر پروراند .

3- مرزبندی سنی دوره ی کودکی:

نکته ای دیگر که در این بین می توان به آن اشاره کرد این است که در منظومه های ادبی از جمله خمسه ی نظامی مرزبندی دقیقی برای تمایز دوران کودکی از نوجوانی وجود ندارد. در میان تعاریف دقیق و متعدد روانشناسان امروزی از کودک که از جزئی نگری و دقت نظر ویژه ای برخوردار است به ندرت می توان تعریف کلی و منطبق با دیدگاه عاری از دقت گذشتگان پیدا کرد.

یکی از این تعاریف اندک تعریف محمود منصور از کودک است: «کودکی در ساده ترین بیان و به عنوان یک گستره ی سنی یکپارچه و متمایز از دوره های دیگر زندگی به دوره ای که از تولد تا نوجوانی ادامه دارد اطلاق می گردد؛ اما مسئله اینجاست که به دلایل گوناگون کودکی را به دوره های کوتاه تری تقسیم کرده اند و در این تقطیع عوامل مختلفی مداخله داشته است» (محمود منصور، 1382: 168) که این جزئی نگری در اندیشه ی گذشتگان از جمله نظامی نمودی نداشته. (همچنان که در داستان عشق لیلی و مجنون شاهد بی توجهی نظامی به مرزبندی دقیق بین دوران کودکی و نوجوانی بودیم؛ و این دو در سن ده سالگی به یکدیگر

چو سالش پنج شد در هر شگفتی تماشا کردی و عبرت گرفتی
چو سال آمد به شش چون سرو می رست رسوم شش جهت را باز می جست
چنان مشهور شد در خوبرویی که مطلق یوسف مصرست گویی
پدر ترتیب کرد آموزگارش که تا ضایع نگردد روزگارش
بر این گفتار بر بگذشت یک چند که شد در هر هنر خسرو هنرمند
(نظامی: 1373: 148)

علاقه مند می شوند!). از جمله در آغاز منظومه خسرو و شیرین که کودکی های خسرو از جنس بزرگسال و شبیه بزرگسال به تصویر کشیده شده به این صورت است:

طبق این ابیات خسرو در شش سالگی تحت آموزش قرار گرفته. در این دوران تا نه سالگی به انواع هنرها آراسته شده و فنون جنگاوری را فرا گرفته؛ چنان که در سن ده سالگی سر جنگاوران سی ساله را از تن جدا میکرد. (بنابر این مرزبندی خاصی بین دوران کودکی و نوجوانی در آثار نظامی وجود ندارد). همچنین نظامی در آغاز منظومه ی لیلی و مجنون در نصیحت فرزند چهارده ساله ی خود، محمد، او را بالغ می داند و از بازی و غفلت کودکانه بر حذر می دارد.

ای چارده ساله قره العین علوم کونین بالغ نظر
آن روز که هفت ساله بودی چون گل به چمن حواله بودی
واکنون که به چارده رسیدی چون سرو بر اوج سر کشیدی
غافل منشین نه وقت بازی است وقت هنر است و سرافرازی است
(نظامی، 1381: 339)

4- ویژگی کودکان و کودکانه ها در آثار نظامی:

یکی از ابعاد ارزشمندی کودک که در این نوشته بدان میپردازیم وجود صفات برجسته ای است که بدو اختصاص دارد؛ اعم از صفات نیکی چون پاکی، سادگی، ظرافت و یا صفات ناپسندی چون زود فریبی، گریه، نادانی و لجابت. البته بررسی زیربوم دنیای کودکانه و ویژگی های کودک، بیشتر در منظومه های تعلیمی امکان پذیر است؛ زیرا کودکان در شاهنامه و منظومه های مشابه آن از نظامی اغلب رفتارها و اندیشه های بزرگسالانه و بزرگمنشانه دارند، اما در منظومه های تعلیمی این رنگ و لعاب بزرگسالانه از دنیای کودکان کنارتتر می رود و دنیا کودک واقعی تر و تصویر کشیده می شود. با این وجود می توان شواهد موجود در منظومه نظامی را که به صورت مختصر دربردارنده ی این شاخصه ها و ویژگی های کودک و دنیای اویند، در عناوین ذیل دسته بندی کرد:

4-1- ترس و دلهره های کودکانه :

ترس از جمله عواطف نامطبوعی است که اثرات منفی در رشد کودک دارد. «عواطف نقش مهمی در زندگی کودک بازی می کنند و تاثیرشان بر زندگی و فعالیت های کودک همیشه مفید و نیرو بخش نیست» (ج، آ، هاو فیلد، 201:1377). کودک ناآگاه و ناتوان، به هنگام رویارویی با بسیاری از ناشناخته هایش و «به محض درک بیگانگی پدیده های نامانوس و بیگانه» می هراسد و از ترس می گریزد یا می گرید؛ چنانچه نظامی در سرفنامه خود اینچنین می گوید:

بدان تا گریزند طفلان راه چو زنگی چرا گشت باید سیاه

(نظامی، 1381:643)

4-2- ساده اندیشی و استدلال های کودکانه :

دنیای کودک به دور از رمز و رازهای دنیای بزرگسالان، بسیار ساده، بی آرایش و پاک است و از مکر و حيله در آن اثری نیست. حرف ها، کارها، بازی ها و اندیشه های او در ابیات و حکایات از منطق عقل بزرگسالانه به دور است و تصویر زیبایی از کودکانه های او را پیش روی خواننده مجسم می کند (هرچند همانگونه که ذکر شد در ابیات نظامی کودکان اندیشه های بزرگسالانه دارند و این ویژگی کمتر نمود دارد). بهانه ها و دلخوشی های او ساده است و به راحتی به همین دلخوشی های ساده اش فریفته می شود. برای نمونه نظامی در اقبال نامه، در سفارش به شاه که تا زر بخشی نکند، سپاه تو فداکاری از خود نشان

نخواهد داد و خصم تو از پا درنخواهد آمد، بیان می‌کند که طفل در ازای گرفتن حلوا شیء گرانبهای خود را از دست می‌دهد:

به چربی توان پای روباه بست به حلوا دهد طفل چیزی ز دست

(نظامی، 1381: 933)

حالات عاطفی کودکان اغلب به صورت ناگهانی و یا با گذشت مدت زمانی اندکی تغییر می‌کند؛ ازخنده به گریه و از قهر به آشتی. (البته این تغییر ناگهانی حالت عاطفی به هیچ وجه منحصر به دوره ی طفولیت نیست) (مهدی جلالی، 1361: 287) کودک ساده دلانه به رنگ و بوی و ظاهر، اسیر و مبتلا و حیران می‌شود برای نمونه در منظومه ی نظامی:

جهانجوی از آن کان زر تافته بخندید چون طفل زر یافته

(نظامی، 1381: 949)

زود فریبی کودک که نموداری از سادگی اوست، نمونه‌های نسبتاً بسیاری دارد و از آنجا که از جمله ویژگی‌های برجسته کودکان است، تحت عنوان جداگانه‌ای پس از این خواهد آمد.

3-4- زود فریبی:

ساده‌دلی‌های کودک موجب زود فریبی او می‌شود. او در دنیای ساده اش فریفته ی آنچه دوست دارد می‌شود، بی آن که بداند ارزش واقعی هرچیز چیست؟ نظامی گنجوی درقصیده ای به یاد روزهای جوانی، خود را به کودکی فریب خورده مانند کرده است. او می‌گوید آسمان عشوه گر به وسیله ی رنگ و بوی شاهدان جهان، کودک وار، نقد جوانیم را از دستم ربوده است:

به رنگ و بوی چو طفل فریب خورده زدست ربود نقد جوانیم سپهر عشوه گرم

(نظامی، 1385: 313)

نظامی بارها در اشعار و ساختن مضامین خود از این ویژگی کودک یاد کرده. در داستان خسرو و شیرین بعد از اینکه خسرو با شکر اصفهانی ازدواج می‌کند نظامی از زبان خسرو در مقام مقایسه ی شکر با معشوقه اش شیرین می‌گوید:

ز شیرینی بزرگان ناشکینند به شکر طفل و طوطی را فریبند

(نظامی، 1386:286)

و بدین ترتیب وی خسرو منظومه اش را به طفلی تشبیه می کند که با شکر فریب خورده است. در ادامه ی همین داستان خسرو خود را دلداری می دهد که:

مرا آن به که از شیرین شکبیم نه طفلم تا به شیرینی فرییم

(نظامی، 1386:287)

و باز هم در همین داستان آنجا که خسرو به دیدار شیرین می رود و سعی در متقاعد کردن اومی کند شیرین در جوابش می گوید:

نه آن طفلم که از شیرین زبانی به خرمایی کلجم را ستانی

(نظامی، 1386:310)

و تقریباً در اواخر این منظومه در قسمت «سرود گفتن نکبسا از زبان شیرین» می خوانیم :

دهانی کو طمع دارد به سبیم به موم سرخ چون طفلمش فرییم

(نظامی، 1386:372)

گویی موم مدور سرخ، مخصوص فریب کودکان بوده است چنانکه دیده می شود نظامی به کرات از این موضوع در اشعارش استفاده کرده است. به علاوه همانطور که در عنوان ساده اندیشی و استدلال های کودکانه بیان شد کودک به راحتی اسیر و فریفته ی ظواهر می شود و در مقابل حلوی شیرین هرآنچه داشته باشد از دست خواهد داد.

به چربی توان پای روباه بست به حلوا دهد طفل چیزی ز دست

(نظامی، 1381:933)

4-4- هشپاری و زیرکی :

هشپاری و زیرکی از دیگر صفات کودکانه ای است که نمونه های زیبا و درخور توجهی در منظومه ها دارد. این ویژگی هم منسوب به شاهزادگان و بزرگزادگان است در منظومه های تاریخی و هم منسوب به کودکان عوام است در منظومه های تعلیمی. شاهزادگان و بزرگزادگان شاهنامه و منظومه های نظامی

اغلب کودکانی هوشیار و زیرکند. نظامی در شرفنامه مستقیماً به این ویژگی در وجود اسکندر اشاره کرده است:

همه ساله شهزاده تیزهوش به جز علم را ره ندادی به گوش
به باریک بینی چو بشتافتی سخن های باریک دریافتی
(نظامی، 1381: 661)

عکس العمل عاقبت اندیشانه ی کودکی در برابر حادثه ای که برای هم بازی اش پیش آمده در داستان کودک مجروح نظامی نیز بیانگر هشیاری و زیرکی اوست:

کودکی از جمله آزادگان رفت برون با دو سه همزادگان
پایش از آن پویه درآمد ز دست مهر دل و مهره ی پشتش شکست
شد نفس آن دوسه همسال او تنگتر از حادثه حال او
آن که ورا دوست ترین بود گفت در بن چاهیش بباید نهفت
تانشود راز چو روز آشکار تا نشویم از پدرش شرمسار
عاقبت اندیش ترین کودکی دشمن او بود در ایشان یکی
گفت همانا که در این همراهمان صورت این حال نماند نهان
چونکه مرا زین همه دشمن نهند تهمت این واقعه بر من نهند
زی پدرش رفت و خبردار کرد تا پدرش چاره آن کار کرد
(نظامی، 1381: 70)

به علاوه این داستان در تایید این سخن هوشمندانه آمده است که :

دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود

(همانجا)

کودکان تیزهوش خود را در اموری درگیر می سازند که دیگران جسارت و شهامت وارد شدن در چنین اموری را ندارند. در امر تعلیم و تربیت نیز این کودکان چند قدم جلوتر از بقیه هستند. چنانکه نظامی در اقبالنامه در افسانه ی «ارشمیدس و کنیزک چینی» به تیزهوشی و برتری کودک تیزهوش (ارشمیدس) نزد استاد تاکید می کند. او در توصیف ارشمیدس می گوید:

که آموختندی ازو نیک و بد	به تعلیم او بود شاگرد صد
نود نه بدندی بدو رهنمای	اگر ارشمیدس نبودی به جای
کزان سکه نو بود نقش کهن	سراینده را بسته گشتی سخن

(نظامی، 1385: 56-57)

5- انطباق لفظ کودک بر غیر کودک :

از جمله نکات حائز اهمیتی که در راستای این تحقیق باید مد نظر قرار داد این است که عنوان کودک همه جا عینا منطبق با کودکی که به تعریف او و بیان مرزبندی سنی اش پرداخته شد نمی باشد بلکه در برخی نمونه از اشعار نظامی بزرگسالان با عنوان کودک خطاب می شوند که دلایل این خطاب می تواند از این قرار باشد:

5-1- کودکی و کم سنی ؛ توجیهی برای اشتباه :

گاه افراد در سنین جوانی یا نوجوانی به دلیل کم تجربگی و ناپختگی مرتکب اشتباهاتی می شوند و در مقابل بازخواست دیگران کودکی خود را توجیه اشتباه قرار می دهند. گویی این بزرگسالان در دوران کودکی خود توقف داشته اند و توقفشان در این مرحله نشان خامی و نقصان شخصیت ایشان است. (کریم زمانی، 1382: 368) و یا اینکه دنیای ایشان با دنیای کودکان همانندی های بسیاری داشته است. از جمله در خسرو و شیرین نظامی، خسرو در نوجوانی یا جوانی به پوزش خطاکاری خود که اسبش بی اذن رعیت به مرغزار آن ها پا گذاشته خطای خود را به کم سن و سالی خود منسوب می داند و عذرخواهی می کند:

که شاها بیش از اینم رنج منمای	بزرگی نمای به خردان بر بختشای
بدین یوسف مبین کالوده گرگ است	که بس خرد است اگر جرمش بزرگ است
هنوزم بوی شیر آیدم ز دندان	مشو در خون من چون شیر خندان

(نظامی، 1381: 108)

و هرمز از این سخنان خسرو متاثر می شود :

که طفلی خرد با آن ناز نینی کند در کار اینسان خرده بینی

(نظامی، 1381: 109)

2-5- خطاب کودک برای تحقیر و کوچک شمردن مخاطب:

گاه افراد برای کوچک و پست انگاشتن طرف مقابل او را کودک خطاب می کنند و مانند یک کودک حقیر و نادان می انگارند. نظامی نیز در منظومه اش اینگونه به روایت داستان می پردازد: چون هرمز می میرد بهرام به خسرو تهمت پدرکشی می زند و با تحقیر او را کودکی ناسزاوار جهاندار ی و پادشاهی می انگارد:

کزین کودک جهاندار ی نیاید پدرکش پادشاهی را نشاید

(نظامی، 1381: 143)

دارا نیز در شرفنامه برای تحقیر اسکندر، گوی و چوگان نزد وی می فرستد و به او طعنه میزند « که طفلی تو بازی به این کن درست» (نظامی، 1381: 692) و در جمع درباریان خود نیز از او که جوان است و پادشاه چنین یاد می کند :

که دانست کاین کودک خردسال شود با بزرگان چنین بدسگال
تو خود نیک دانی که با این شکوه ز یک طفل رومی نیابم ستوه

(نظامی، 1381: 698)

و باز درنامه ای خطاب به اسکندر می گوید:

تو ای طفل ناپخته ی خام رای مزن پنجه در شیر جنگ آزمای

(نظامی، 1381:702)

در خور توجه است که دارا در قبال حقارت و کودکی اسکندر و ناپختگی و خام رایبی او ابهت بزرگان و جنگ آزمایی شیران را از آن خود می انگارد. در نمونه هایی که ملاحظه نمودید شاعریا تشبیهی ضمنی و نامحسوس که یک سوی آن بزرگسال قرار دارد و دیگر سویش کودک، با وجه شبه هایی که ویژگی هایی از دنیای کودکان را شامل می شود همچون بی خردی، ترس، ناپختگی، خام رایبی و ناتوانی برای انجام کارهای بزرگ نظیر جهاندارای سعی دارد ویژگی های شخصیتی بزرگسال را در هیأتی کودکانه به تصویر بکشد.

6- کودک و تربیت خانواده در آثار نظامی :

هر کودکی که متولد می شود همانند آینه ای شفاف است. پدر و مادر با تربیت صحیح می توانند این پاکي را افزون کنند و دوام بخشند یا با تربیت نادرست آن را مکدر سازند؛ زیرا خداوند مردم را بر فطرت خدایی آفریده است. پدر و مادر موظف هستند زمینه رشد و شکوفایی این فطرت خدایی را فراهم سازند و نگذارند این ودیعه الهی دچار آفت زدگی شود. فرزندان در ابتدای زندگی مظهر پاکي، پذیرش و صمیمیت هستند و پیش از آن که ما چیزی را به ایشان تفهیم کنیم؛ از پدیده ها، ارزش ها و ضد ارزش ها تصویری در ذهن ندارند؛ ارزش ها و ضد ارزش ها را از ما فرامی گیرند و به همان راهی که ما دعوتشان کنیم قدم می نهند. (عیسی زاده، 1391:117) والدین شخصیت کودک را رنگ میدهند، خط مشی و رفتار او را در زندگی معین می کنند و بر اساس روش تربیتی خود، کودکی آرام و یا نامتعادل می پروراند. (قائمی، 1358:57). نظامی در منظومه ی خسرو و شیرین آنجا که خسرو، پیران و بزرگان را شفیع قرار می دهد و برای پوزش نزد پدر می رود نتیجه ای می گیرد که بیانگر همین نقش الگویی پدر و مادر بر فرزندش می باشد. او به مخاطب توصیه می کند که :

چه سازد با تو فرزندت بیندیش همان بیند ز فرزندان پس خویش

به نیک و بد مشو در بند فرزند نیابت خود کند فرزند فرزند

(نظامی، 1386:46)

مسئولیت پذیری خانواده در قبال فرزندان به کودکی آن ها بها و ارزش خاصی می بخشد و از جمله بدیهیات زندگی بشری است که در منظومه ها از جمله آثار نظامی شواهد فراوانی دارد. نمونه های فراوانی از دغدغه هایی چون گذران زندگانی و غم نان فرزند تا پروردن و تربیت آن ها و فراهم آوردن آینده ای

نیک برای ایشان در منظومه ها از جمله خمسه ی نظامی به چشم میخورد. نظامی معتقد است که احترام به شخصیت کودک امری ضروری است و کسی که فرزند خود را حمایت نکند به خود ظلم می کند و مایه تحقیر و سرافکندگی خود را فراهم می کند، او در خسرو و شیرین جایی که بزرگ امید، خسرو را نصیحت می کند، آورده است:

گرفتم کاین پسر در دسر توست	نه آخر پاره ای از گوهر تست؟
نشاید خصمی فرزند کردن	دل از پیوند بی پیوند کردن
کسی بر نارین نارد لگد را	که تاج سر کند فرزند خود را
درخت تو از آن آمد لگد خوار	که دارد بچه خود را نگوئسار
تونیکی، بد نباشد نیز فرزند	بود تره به تخم خویش مانند

(نظامی، 1386: 413)

1-6- جایگاه پدر در تربیت کودک :

پدر دارای نقشی ویژه و وظایف بسیاری در نهاد خانواده و در رابطه با تربیت کودک می باشد؛ به طوری که حتی مادر، قادر به ایفای برخی از این وظایف نمی باشد. او در همه عواملی که در آینده ی کودک و تکوین شخصیتش موثر است، دارای نقشی ویژه است. حضرت علی (ع) فرمود: پدر ارثی برای فرزندش باقی نمی گذارد که بهتر از ادب و تربیت نیک باشد (نوری، نقل از امینی: 146). همچنین امام صادق (ع) برای فرزند سه حق را بر پدر لازم میداند که یکی از آن ها جدیت در تربیت اوست. نظامی (به عنوان یک پدر) در آغاز منظومه ی خسرو و شیرین در نصیحت و تربیت فرزند خود، محمد، ضمن اینکه به بزرگسالی کودک نظر دارد شادی و کودکانه های وی را نیز ارج می نهد و البته در اینجا اهمیت و ارزشمندی کودک از باب فرزندی نیز قابل توجه است.

ببین ای هفت ساله قره العین	مقام خویشتن در باب قوسین
منت پروردم و روزی خدا داد	نه بر تو نام من نام خدا باد
در این دور هلالی شاد می خند	که خندیدیم ما هم روزگی چند
چو بدر انجمن گردد هلالت	برافروزد انجم را جمالت
قلم در کش به حرفی کان هوا بیست	علم برکش به علمی کان خداییست

به ناموسی که گوید عقل نامی زهی فرزانه فرزند نظامی

(نظامی، 1381: 297)

در ماندن نام به فرزند، همو در هفت پیکر سخنانی (که نشان دهنده ی مسئولیت و محبت پدرانه ی اوست) خطاب به محمد که دیگر کودک نیست، بیان داشته است :

ای پسر هان و هان تو را گفتم که تو بیدار شو که من خفتم...

...سکه بر نقش نیکنامی بند کز بلندی رسی به چرخ بلند

تا من آنجا که شهر بند شوم از بلندیت سر بلند شوم

(همان، 1381: 470)

به علاوه حس مسئولیت نظامی در قبال آینده ی محمد آن جا که این فرزند گرامی را به فرزند شروانشاه می سپارد (نظامی، 1381: 336)، حس مسئولین نقوماجس در قبال آینده ی فرزندش ارسطو آنجا که او را به اسکندر می سپارد (نظامی، 1381: 661) و نگرانی حضرت سلیمان و بلقیس از ناتندرستی فرزند (همان، 1381: 540-541) از جمله ی این نمونه هاست. در منظومه ی لیلی و مجنون نظامی نیز پرورش قیس و انتخاب دایه برای او به عهده پدر او و از جمله وظایف اوست :

چون دید پدر جمال فرزند بگشاد در خزینه را بند...

...فرمود و را به دایه دادن تا رسته شود ز مایه دادن

دورانش به حکم دایگانی پرورد به شیر مهربانی

(نظامی، 1381: 346)

2-6- جایگاه مادر در تربیت کودک :

مادر نیز با به دنیا آوردن کودک و برآوردن نیاز او به شیر، بیش از پدر طرف محبت و وابستگی های کودک قرار می گیرد. «شیر مادر در خون کودک سرشته می شود و تا پایان عمر او را مدیون وجود مادر می کند.» (وحید سبزیان پور، سمیره خسروی، صدیقه رضایی، 1390: 20) در منظومه نظامی این شیر شیرین مایه ی تسکین طفل است و نشان دهنده ی جایگاه ارزشمند مادر در پرورش و تربیت کودک است :

همیدون شیر اگر شیرین نبودی به طفلی خلق را تسکین نبودی

(نظامی، 1381: 240)

چو میل شکرش در شیر دیدند به شیر و شکرش می پروریدند

(نظامی، 1386: 40)

چو طفل انگشت خود می مز درین مهد ز خون خویش کن هم شیر و هم شهد

بگیر آیین خرسندی ز انجیر که هم طفل است و هم پستان و هم شیر

(نظامی، 1386: 442)

کودک با خوردن شیر در آغوش گرم مادر از عواطف و احساسات پاک مادرانه بهره مند می شود و این تامین محبت در سنین کودکی نقش بزرگی در دوران جوانی او خواهد داشت. (حسن احدی و شکوه السادات بنی جمالی، 1380: 159) این شیر به قدری شیرین و پاک و حلال است که به پاکي آن و به نیاز کودک بدان سوگند می خورده اند:

بدان شیری که اول مادرت داد که چون از جوی من شیری خوری شاد

(نظامی، 1381: 202)

به محتاجی طفل تشنه به شیر به نومیدی درمندان پیر

(نظامی، 1381: 983)

3-6- جایگاه دایه در تربیت کودک :

دایه در زبان پهلوی (dayak) است که وظیفه ی تعلیم و تربیت و پرورش کودک را به عهده گرفته است و تا رساندن کودک به سن رشد و رفتن به مکتب، نقش بسیار مهمی داشته است. در بیشتر داستان های ادبی از دایه صحبت به میان آمده است، دایه ها در داستان ها گاهی تا آخر عمر، همراه پرورش شونده ی خود هستند و طرف مشورت او قرار می گیرند و گاهی نقشی کمرنگ در فضای داستان دارند و پس از تعلیم و تربیت و رساندن فرد مورد نظر به مکتب و سن رشد و بلوغ دیگر حضوری ندارند و تقریباً حذف می شوند. به عنوان مثال در منظومه لیلی و مجنون نظامی دایه فقط پرورش و تربیت مجنون را بر عهده داشت، او را به دایه سپردند تا بزرگ شود و به مکتب برود:

فرمود ورا به دایه دادن تا رسته شود زمایه دادن

(نظامی، 1388: 59)

بعد از این بیت دیگر نشانی از دایه در داستان لیلی و مجنون وجود ندارد.

در خسرو و شیرین نظامی از دایه خسرو فقط به یک اشاره ی کوتاهی بسنده شده است :

گرفته در حریرش دایه چون مشک چو مروارید تر در پنبه خشک

(نظامی، 1386: 40)

و در جای دیگر این منظومه ،شاعر، در شکوه ی خسرو از سرد کاری های شیرین چنین از این واژه مضمون ساخته است :

سرشت طفل بد را دایه داند بد همسایه را همسایه داند

(نظامی، 1386: 346)

شاعر شروان در داستان بهرام، ریشه دوستی بهرام با نعمان را این چنین توجیه می کند:

پسری خوب داشت نعمان نام	شیر یک دایه خورده با بهرام
از سر همدلی و همسالی	نشدی یک زمان ازو خالی
از یکی تخته حرف خواندندی	در یکی بزم دُر فشانددی

(نظامی، 1387: 65)

7- نشانه های بی اهمیتی به کودک و بی توجهی به او در منظومه نظامی :

اصل همه دلایل و ابعادی که برای ارزشمندی و اهمیت کودک برشمرديم در بسیاری از آن موارد ،اهمیت دادن به شخصیت وجودی کودک و کودکانه های وی نیست. در ضمن ۰ بسیاری از آن ها ، نشانه هایی مبنی بر بی اهمیتی و بی قدری کودکان نهفته است. اگر از دیدی متفاوت به سایر این شواهد بنگریم به راحتی درخواهیم یافت که در اغلب آن ها ارزش وجودی کودک نمودی ندارد. نظامی نیز در بسیاری از شواهدی که درعناوین قبلی ذکر شد (4-1- ترس و دلهره های کودکانه ، 2-4- استدلال و ساده اندیشی های کودکانه، 4-3- زود فریبی ، 5-1- کودکی و کم سنی ؛توجهی اشتباه ، 5-2- خطاب کودک برای تحقیر مخاطب) از عنوان کودک برای بیان اهداف و مقاصد خود استفاده نموده و دراین میان کودک را (خواسته یا ناخواسته) به عنوان عنصری زود فریب، نادان، ناپخته، خام رای، پست و حقیر معرفی کرده

است؛ حتی این استدلال که در منظومه‌ها از جمله منظومه نظامی برای دوران کودکی به عنوان دوره ای مستقل جایگاهی قائل نشده اند (عنوان 3- مرزبندی سنی دوره ی کودکی که در این مورد در صفحات قبل بحث شد) می‌تواند دلیلی محکم و قانع کننده بر بی توجهی شاعران به عنصر کودک باشد. در قسمت هایی هم که به کودک توجه شده دلایلی جز کودک بودن مد نظر بوده مانند زیبارو بودن، شاهزاده و اصیل بودن و یا ارزشمندی کودک به خاطر جایگاه فرزند. در این میان به نمونه هایی از اشعار نظامی توجه کنید:

نظامی در منظومه لیلی و مجنون، آن هنگام که مجنون در عشق لیلی می نالد، بی حاصلی او را در این عشق به طفلی تشبیه می کند که خواب خوش می بیند و بعد از بیدار شدن میفهمد که تمام خوشی ها خواب بوده و افسوس می خورد:

گر بیند طفل تشنه در خواب کو را به سبوی زر دهند آب

لیکن چو ز خواب خوش برآید انگشت ز تشنگی بخاید

(نظامی، 1388: 78)

همچنین او در اقبال نامه در « انجامش روزگار افلاطون» از زبان افلاطون، خود را در عجز و ناتوانی نسبت به درک مرگ به طفلی تشبیه می کند که وقت خواب به گهواره اش می شتابد بدون اینکه بداند خواب چیست؟:

بدان طفل مانم که هنگام خواب به گهواره خوابش آید شتاب

به خفتن منیش رهنمون آیدش نداند که این خواب چون آیدش

(نظامی، 1385: 272)

او آرزو داشتن و خیالات پروردن را کار کودک معرفی می کند و از زبان افلاطون به هنگام مرگ می آورد که:

گذشت از از صد و سیزده سال من به ده سالگان ماند احوال من

همان آرزو خواهیم در سر است کهن من شدم، آرزو نوتر است

(نظامی، 1385:273)

و همچنین درمثنوی مخزن الاسرار خود، کودکی را همراه با بازی و هوا و هوس‌های کودکانه می‌آورد و مخاطب را از این بازی‌ها برحذر می‌دارد:

طفل نه ای، پای به بازی مکش عمر نه ای، سر به درازی مکش

(نظامی، 1387:142)

او دربیتی از هفت پیکر خود، ارزش کودک را پایین می‌آورد. از نظر او حتی حیواناتی چون خر هم در برابر اطفال سرکشی و مقاومت میکنند:

خر که با بالغان زبون گردد چون به طفلان رسد حرون گردد

(نظامی، 1387:93)

نظامی در منظومه خسرو و شیرین (گویا درستایش ممدوح خود با عنوان «خطاب زمین بوس») اینچنین می‌سراید:

فریدون بود طفلی گاو پرورد تو بالغ دولتی هم شیر و هم مرد

(نظامی، 1386:22)

در بیت بالا به دوران کودکی فریدون در شاهنامه‌ی فردوسی که توسط گاوی به نام برمایه پرورش یافته اشاره شده است. شاعر با کنار هم قرار دادن واژه «طفل و گاو پرورد» در مورد فریدون به تحقیر او پرداخته است. این یکی از نشانه‌های بی‌توجهی نظامی به ارزش کودک و دوران کودکی است؛ با توجه به اینکه واژه‌های طفل و گاو در مصراع اول در مقابل واژه‌های شیر و مرد در مصراع دوم قرار گرفته و تأثیر این مطلب را دوچندان نموده است. او در قسمت دیگر از خمسه‌ی خود، واژه خود

پرستی را در کنار کودکی می آورد؛ گویا این دو واژه از دیدگاه اورتباطی نزدیک و بارمعنایی منفی دارند :

حدیث کودکی و خودپرستی رها کن کان خیالی بود و مستی

(نظامی، 1381: 104)

با توجه به ابیات فوق آیا جز مواردی خاص و جز از شخصیت هایی خاص، کودک به حال خود رها نشده است؟ و در عالم بی خیالی و بی خبری و فارغ از هفت دولت به بازی های کودکانه ی خود مشغول نیست؟ آری او سرش گرم بازی ها و غفلت ها و هواهای کودکانه ای است که در دنیای بزرگان جایی ندارد و حقیرانه و بی حاصل می نماید.

نتیجه گیری:

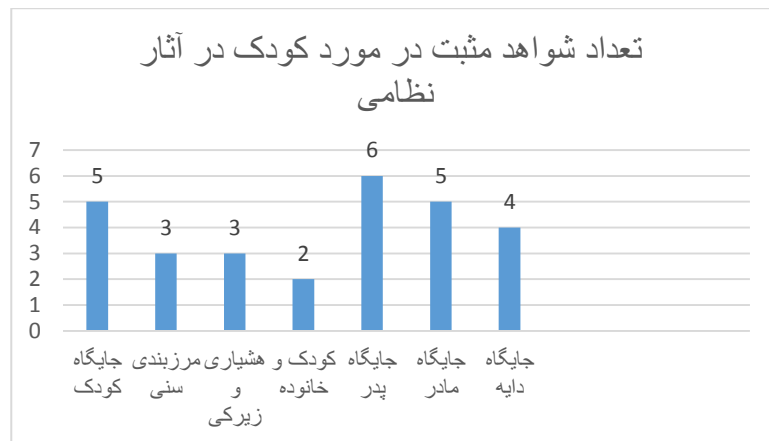
در این مقاله عنصر کودک و کودکی در آثار نظامی مورد بررسی قرار گرفت. برای این کار ابتدا به نظریه های سنتی و جامعه شناختی در مورد کودک و سپس به بررسی عنصر کودک و کودکی در آثار نظامی پرداخته شد. با بررسی نحوه ی حضور کودک در منظومه نظامی دریافته ایم که دوران کودکی را نمی توان به راحتی از نوزادی و نوجوانی جدا کرد. در بعضی موارد در منظومه نظامی لفظ کودک دلالت بر خود کودک ندارد به این معنی که گاه بزرگسالان را به جهت کم سن و سالی و یا تحقیر کردن، کودک خطاب می کرده اند.

اهمیت تعلیم و تربیت کودک و رفتارهای فراتر از مرزسنی او (عاشق شدن مجنون و جنگیدن خسرو پرویز با شیروازدها در کودکی) ، صفات برجسته کودک از جمله هشیاری و زیرکی او ، مسئولیت والدین در قبال پرورش و تربیت فرزندان از جمله عواملی هستند که موجبات توجه به کودک و اهمیت یافتن او را در آثار نظامی فراهم می آورد.

از زاویه ای دیگر همین دلایل و ابعاد اهمیت یافتن کودک ،می تواند نشانه هایی از بی اهمیتی او را دربرداشته باشد. در آثار نظامی در بسیاری از شواهد از واژه کودک فقط برای بیان هدف و مقصود شاعر استفاده شده بدون آن که ارزش وجودی و شخصیت کودک در نظر گرفته شود . در این شواهد کودک به حال خود رها شده و بی اهمیت انگاشته شده مگر در مواردی خاص و در مورد شخصیت هایی خاص. با توجه به این نتیجه گیری میتوان گفت 28 شاهد مثبت و 22 شاهد منفی در مورد کودک در آثار نظامی در این مقاله ذکر شده است. در بین شواهد مثبت بیشتر به جایگاه فرزند یک کودک اشاره شده و در بین شواهد منفی بیشتر به ارزش وجودی کودک بی توجهی شده ؛ به علاوه زود فریبی او نیز مد نظر بوده است. در جدول زیر به تفصیل تعداد شواهد ذکر شده است.

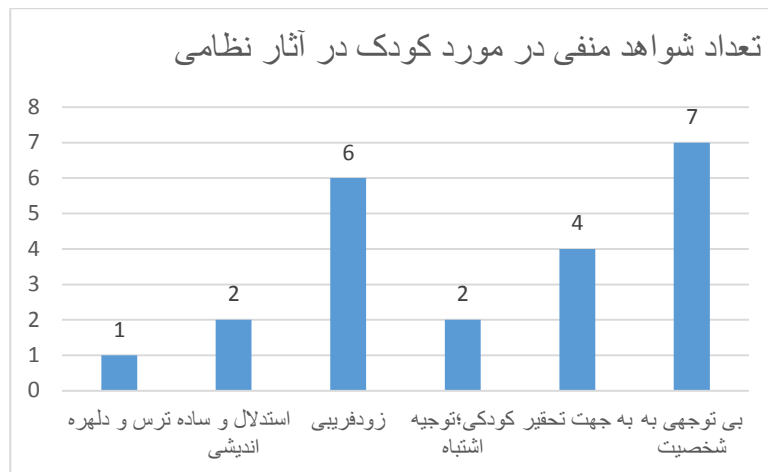
ردیف	شواهد مثبت	تعداد و بسامد	شواهد منفی	تعداد و بسامد
1	جایگاه کودک و کودکی	5	ترس و دلهره های کودکانه	1
2	مرزبندی سنی کودکی	3	استدلال و ساده اندیشی ها	2
3	هشیاری و زیرکی	3	زودفربیی	6
4	کودک و تربیت خانواده	2	کودکی و کم سنی؛ توجیه اشتباه	2
5	جایگاه پدر در تربیت کودک	6	خطاب کودک به جهت تحقیر	4
6	جایگاه مادر در تربیت کودک	5	بی توجهی به شخصیت کودک	7
7	جایگاه دایه در تربیت کودک	4		

چنانکه در جدول دیده می شود بیشترین تعداد و بسامد در شواهد مثبت در مورد مقوله کودک مربوط به جایگاه فرزندی اوست که شامل ردیف های 4 الی 7 می باشد و بیشترین شواهد منفی نیز بی توجهی به شخصیت کودک و زودفربیی اوست. در صفحات بعدی نمودار شواهد مثبت و منفی به صورت جداگانه ترسیم خواهد شد.



همانطور که در نمودار دیده می‌شود بیشترین تعداد وبسامد در شواهد مثبت در مورد مقوله کودک

مربوط به جایگاه فرزند اوست (شامل عناوین کودک و خانواده، جایگاه پدر، جایگاه مادر و جایگاه دایه می باشد).



همانطور که در نمودار دیده می شود بیشترین شواهد منفی نسبت به کودک مربوط به بی توجهی به شخصیت کودک (باتوجه به توضیحات قبلی) و زود فریبی اوست. امید آن می رود که نتایج به دست آمده مقبول نظر خوانندگان قرار گیرد.

فهرست منابع :

- ##. احدی، حسن و شکوه السادات بنی جمالی (1380). روانشناسی رشد، چاپ سیزدهم، تهران: پردیس.
- ##. باغانی، زهرا، (1391). بررسی نقش والدین در تربیت دینی فرزند در دوران کودکی از دیدگاه اسلام، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، به راهنمایی دکتر حسن ملکی.
- ##. براون، ادوارد (1351). تاریخ ادبی ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، کتاب دوم از مجلد دوم، تهران: مروارید.
- ##. جلالی، مهدی، (1361). روانشناسی کودک، چ یازدهم، تهران: سپهر.
- ##. رحیمی، راضیه، (1390). کودکانه ها در ادب فارسی از اول تا حافظ، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت معلم تبریز، به راهنمایی دکتر رحمان مشتاق مهر.
- ##. زمانی، کریم (1382). میناگر عشق: شرح موضوعی مثنوی معنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی، تهران: نشر نی.
- ##. سبزیان پور، وحید، سمیره خسروی، صدیقه رضایی؛ «بررسی و تحلیل نقش کودک در ده داستان از مثنوی»، کتاب ماه کودک و نوجوان، سال پانزدهم، شماره سوم، دی 1390، صص 12-28.
- ##. صفایی، الهام، (1391). بررسی جایگاه کودک در منظومه های فارسی تا اواخر سده ی هفتم هجری، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد، به راهنمایی مهدی ملک ثابت.
- ##. طبری، محمد بن جریر (1359). تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه حسین پاینده، ج 2، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ##. ظهیری سمرقندی، محمد بن علی (1362). سندبادنامه، به اهتمام و تصحیح و حواشی احمد آتش، تهران: کتاب فرزاد.

##. عیسی زاده، عیسی (1391). خانواده ی قرآنی (ویژگی ها و وظایف اعضای آن). قم: بوستان کتاب.

##. قائمی، علی (1358). پرورش مذهبی کودک. قم: ارشاد.

##. مستور، مصطفی (1379). مبانی داستان کوتاه، تهران: مرکز.

##. منصور، محمود (1382). روانشناسی ژنتیک، تحول روانی از تولد تا پیری، چ چهارم، تهران: سمت.

##. نظامی، الیاس بن یوسف (1373). کلیات خمسه، چ ششم، تهران: سپهر.

##. ————— (1381). خمسه، براساس نسخه ی وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.

##. ————— (1385). خسرو و شیرین، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی و به کوشش سعید حمیدیان. چ 7. تهران: قطره.

##. ————— (1389). لیلی و مجنون، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی و به کوشش سعید حمیدیان، چ 3، تهران: زوار.

##. ————— (1384). هفت پیکر، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی و به کوشش سعید حمیدیان، تهران: زوار.

##. ————— (1387). مخزن الاسرار، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چ یازدهم، تهران: قطره.

##. ————— (1388). لیلی و مجنون، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چ نهم، تهران: قطره.

##. ————— (1386). خسرو و شیرین، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چ هشتم، تهران: قطره.

##. ————— (1385). اقبال نامه، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چ ششم، تهران: قطره.

###. _____ (1387). هفت پیکر، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چ هفتم، تهران: قطره.

###. _____ (1385). گنجینه، تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چ ششم، تهران: قطره.

###. هاوفیلد، ج. آ. (1377). روانشناسی کودک و بالغ، ترجمه ی مشفق همدانی، چ دهم، تهران: صفی علیشاه.